

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

شبِ شراب

کشش خمار چشمت به شراب ناب ماند
تب چشم دلنشینت چو تَف سَراب خیزد
خَم زلف تابدارت، ز دلم قـــرار جوید
لب تو خموش و گرمست و جهان بشور و غوغا
سرِ مژه بلندت ز هجـــوم فتنه جوئی
به فروغ ماه رویت، تو اگر به جلوه آئی
اگرش کسی بگـــوید که سراغ خستگان گیر
به رقیب اگـــر نشیند، ز جبین گره گشاید
به تو گر شومِ مقابل، روم از خود، و جنونم
ز هجوم عشق و مستی دل خسته منقلب شد
به چنین فرشته روئی چه شریر و تندخوئی
به وصال نیم بندش همه تن بساز ای دل
تپش نگاه گـــرمت به شب شراب ماند
لب داغ و آتشینت، به گل گلاب ماند
چه سیه‌لی که کس را نه قرار و تاب ماند
تو اگر سخن بگوئی، همه لاجواب ماند
نه به مصلحت نشیند، نه به احتساب ماند
به فلک نــــه ماهتابی و نه آفتاب ماند
به هزار ناز و تمکین به کفش خضاب ماند
به من ار شود مقابل به رخس نقاب ماند
نه به انتصاب ماند، نه به انتخاب ماند
چه بلاست شور عشقت که به انقلاب ماند
به دل از تو آنچه ماند ستم و عتاب ماند
ز فـــراق او حذر کن که به آسیاب ماند
به جهان و رنگهایش دل «اسیر» از چه بندی
که ز بس تهی ست مغزش، به گُلِ حباب ماند

(بن - المان، فبروری ۱۹۹۸ع)